

Research Article

***Legal gaps in the prevention of violence against children and adolescents
in national laws based on its jurisprudence***

Samaneh Moradi^۱, Isa Bani Naime^۲, Amir Albuali^۳

Received: ۲۰۲۴/۰۹/۰۹ Accepted: ۲۰۲۴/۰۹/۲۲

Abstract

Although violence against children seems to be an individual phenomenon, but due to its destructive consequences, which creates chaos in the order and health of the society, and is the origin of many deviant behaviors such as suicide, running away from home, delinquent behaviors, etc., this problem should be addressed. Considered a very serious social damage. The issue of violence against children and teenagers is one of the most important and common examples of blatant violations of human rights. The importance of paying attention to material and spiritual damage to the child is evident in the World Health Organization's definition of child abuse. Violence against children and adolescents does not only include physical abuse in different ways, but also psychological abuse of the child and what causes the violation of his rights. The increasing growth of different forms of violence against children and adolescents is an issue that affects different forms of society. Affects this is despite the fact that the excellence and progress of the society depends on paying attention to the needs of children and teenagers, therefore considering the importance of the role and position of children and teenagers who are future adults, it is necessary to seriously deal with destructive practices against them. In terms of their special physical and mental characteristics, children need special and special support in different life environments and in facing the events around them. Some of these supports are general and the government, based on its commitments to the nation, is required to try to fulfill the support demands of this vulnerable group with all its capabilities. Therefore, in the current research, we seek to express and study the legal gaps in the prevention of violence against children and adolescents in national laws, relying on its jurisprudence, and on the necessity of respecting children's rights by governments at the domestic and international levels, and the necessity of culturalizing this importance. We emphasize in the educational and cultural system of countries and among families and children.

Keywords: *Legal loopholes, violence against children and teenagers, national laws, jurisprudential foundations.*

^۱ - PhD student, Department of Law, Khuzestan Science and Research Campus, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. / PhD student, Department of Law, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran..

^۲ - Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran. (corresponding author) baninaeimh@vatanmail.ir

^۳ - Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran.



مقاله پژوهشی

خلاءهای قانونی پیشگیری از خشونت علیه کودکان و نوجوانان در قوانین ملی با تکیه بر مبانی فقهی آنسمانه مرادی^۴، عیسی بنی نعیمه^۵، امیر آلبوعلی^۶

چکیده

خشونت علیه کودکان اگرچه پدیده فردی به نظر می‌رسد؛ اما با توجه به پیامدهای مخرب آن که در نظم و سلامت جامعه آشفستگی به وجود می‌آورد و منشأ بسیاری از رفتارهای انحرافی همچون خودکشی، فرار از خانه، رفتارهای بزهکارانه و غیره می‌باشد که این معضل را باید آسیب اجتماعی بسیار جدی به شمار آورد. مسئله خشونت علیه کودکان و نوجوانان یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین مصادیق نقض آشکار حقوق بشر می‌باشد. اهمیت توجه به صدمات مادی و معنوی وارده به کودک در تعریف سازمان بهداشت جهانی از کودک‌آزاری نمایان است. خشونت علیه کودکان و نوجوانان نه تنها آزار جسمی به انحای مختلف را شامل می‌شود؛ بلکه آزارهای روحی روانی کودک و آنچه موجب تضییع حقوق او شود را نیز در برمی‌گیرد. رشد فزاینده اشکال مختلف خشونت علیه کودکان و نوجوانان موضوعی است که به اشکال مختلف جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این در حالی است که تعالی و پیشرفت جامعه مرهون توجه به نیازهای کودکان و نوجوانان می‌باشد؛ بنابراین با توجه به اهمیت نقش و جایگاه کودکان و نوجوانان که اشخاص بزرگسال آینده می‌باشند، باید به طور جدی با عملکردهای مخرب علیه آنان مقابله نمود. کودکان به لحاظ ویژگی‌های خاص جسمی و روانی که دارا می‌باشند، در محیط‌های مختلف زندگی و در مواجهه با رویدادهای اطراف خود محتاج حمایت‌های ویژه و خاصی می‌باشند. برخی از این حمایت‌ها کلی بوده و دولت بر اساس تعهداتی که به ملت دارد ملزم است با تمام امکانات خود سعی در تحقق خواسته‌های حمایتی این قشر آسیب‌پذیر نماید؛ بنابراین در پژوهش حاضر در پی بیان و مطالعه خلاءهای قانونی پیشگیری از خشونت علیه کودکان و نوجوانان در قوانین ملی با تکیه بر مبانی فقهی آن هستیم و بر لزوم رعایت حقوق کودک از سوی دولت‌ها در سطح داخلی و بین‌المللی و لزوم فرهنگ‌سازی این مهم در نظم آموزشی و فرهنگی کشورها و در میان خانواده‌ها و کودکان تأکید می‌نماییم.

واژگان کلیدی: خلاءهای قانونی، خشونت علیه کودکان و نوجوانان، قوانین ملی، مبانی فقهی.

^۴ - دانشجوی دکتری، گروه حقوق، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. / دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۵ - استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران. (نویسنده مسئول) baninaimeh@vatanmail.ir

^۶ - استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

کودکان و نوجوانان به عنوان بخش‌های آسیب‌پذیر جامعه، نیازمند مراقبت و حمایت ویژه‌ای هستند. با این حال، در سراسر جهان، آن‌ها همچنان در معرض انواع مختلف خشونت، از جمله خشونت جسمی، عاطفی، جنسی و غفلت قرار دارند. این خشونت می‌تواند پیامدهای مخربی بر سلامت جسمی و روانی، رفاه عاطفی و رشد اجتماعی آنها داشته باشد. در حالی که بسیاری از کشورها قوانینی برای محافظت از کودکان در برابر خشونت دارند، اما هنوز هم خلأهای قانونی قابل توجهی در قوانین ملی در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی وجود دارد. این خلأها می‌تواند کودکان را در معرض خطر بیشتری برای آسیب قرار دهد و تلاش‌ها برای پیشگیری از خشونت و پاسخگویی به آن را دشوارتر کند. این مقدمه به بررسی برخی از خلأهای قانونی رایج در قوانین ملی در زمینه پیشگیری از خشونت علیه کودکان و نوجوانان می‌پردازد. فقدان تعاریف جامع و فراگیر از خشونت علیه کودکان در قوانین ملی که می‌تواند منجر به عدم گزارش و پیگرد قانونی سوءاستفاده شود. عدم وجود قوانین کافی برای محافظت از کودکان در برابر اشکال خاص خشونت، مانند خشونت جنسی، سوءاستفاده عاطفی و غفلت. موانعی مانند قوانین سکوت اجباری و ترس از تلافی که می‌تواند گزارش سوءاستفاده را برای قربانیان دشوار کند. فقدان دسترسی به خدمات ضروری مانند مشاوره، مراقبت‌های پزشکی و پناهگاه برای قربانیان خشونت علیه کودکان.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

مسئله خشونت علیه کودکان و نوجوانان امروزه یکی از مجرب‌ترین مصادیق نقض آشکار حقوق بشر محسوب می‌شود. ضرورت تحقیقی جامع به منظور بررسی این مسئله که نظام بین‌المللی حقوق پسر با رویکرد حمایتی که دارد تا چه اندازه نسبت به خشونت علیه کودکان و نوجوانان واکنش نشان داده و چه راهکارهایی برای مقابله با آن ارائه داده است و همچنین بررسی اینکه آیا این فعالیت‌ها به اندازه کافی تأثیرات پیشگیرانه و بازدارندگی داشته است از اهمیت بسزایی برخوردار است. همچنین تبیین و بررسی مواد قانونی در حقوق داخلی و ضمانت اجرای موجود در این زمینه مهم‌ترین عوامل جهت پیشگیری از وقوع خشونت علیه کودکان و نوجوانان خواهد بود. (البدرانی و ولید، ۱۴۰۲) بحث خشونت علیه کودکان و نوجوانان مبحثی است که تاکنون به طور تفصیلی بدان پرداخته شده است. اما تبیین موشکافانه تبیین خلأهای قانونی در حقوق داخلی در این زمینه و هم‌چنین راهکارهای بین‌المللی مبارزه با آن و استفاده از این راهکارها در صورت یکسان بودن شرایط در حقوق داخلی مبحثی است که با توجه به نقش کودکان و نوجوانان در نهانی جامعه می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. علیه کودکان و نوجوانان امروزه یکی از مخرب‌ترین مصادیق نقض آشکار حقوق بشر محسوب می‌شود. ضرورت تحقیقی جامع به منظور بررسی این مسئله که نظام بین‌المللی حقوق بشر با رویکرد حمایتی که دارد تا چه اندازه نسبت به خشونت علیه کودکان و نوجوانان واکنش نشان داده و چه راهکارهایی برای مقابله با آن ارائه داده است و همچنین بررسی اینکه آیا این فعالیت‌ها به اندازه کافی تأثیرات پیشگیرانه و بازدارندگی داشته است از اهمیت بسزایی برخوردار است. همچنین تبیین و بررسی مواد قانونی در حقوق داخلی و ضمانت اجرای موجود در این زمینه مهم‌ترین عوامل در جهت پیشگیری از وقوع خشونت علیه کودکان و نوجوانان خواهد بود. بحث خشونت علیه کودکان و نوجوانان مبحثی است که تاکنون به طور تفصیلی بدان پرداخته شده است. اما تبیین موشکافانه نقش استاد بین‌المللی و منطقه‌ای در مبارزه با زمینه و هم‌چنین راهکارهای بین‌المللی مبارزه با آن و استفاده از این راهکارها در صورت یکسان بودن شرایط در حقوق داخلی مبحثی است که با توجه به نقش کودکان و نوجوانان در تعالی جامعه می‌تواند بسیار حائز اهمیت

باشد. این تحقیق از نظر ابعاد و مؤلفه‌هایی مهمی همچون بعد عملی یا کاربردی نتایج و همچنین توجه به دانش، نظریات و ادبیات موجود، دلایل مهمی برای اهمیت و ضرورت خود را دارا می‌باشد. فلذا ضرورت تحقق موضوع با توجه به آمار موجود و نتایج پیشنهادات پژوهش‌های انجام شده توسط دیگران به اثبات رسیده و می‌توان در این باره استدلال نمود که خشونت علیه کودکان و نوجوانان یک معضل جهانی است که پیامدهای مخربی بر سلامت، رفاه و آینده آنها دارد. این خشونت می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد، از جمله خشونت جسمی، عاطفی، جنسی و غفلت. کودکان به عنوان افراد ذی حق، از حقوق اساسی مانند حق بر سلامت، امنیت و آموزش برخوردارند. (السودانی و فاضل، ۱۴۰۲) خشونت علیه کودکان نقض آشکار این حقوق بوده و مانع از رشد و شکوفایی آنها می‌شود. خشونت می‌تواند اثرات مخربی بر سلامت جسمی و روانی کودکان داشته باشد. این اثرات می‌تواند کوتاه‌مدت و بلندمدت باشد و شامل مواردی مانند آسیب‌های جسمی، مشکلات عاطفی، اختلالات رفتاری و مشکلات یادگیری باشد. خشونت علیه کودکان نه تنها به آنها آسیب می‌زند، بلکه بار سنگینی را بر جامعه نیز تحمیل می‌کند. هزینه‌های مرتبط با خشونت، از جمله هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی، خدمات حمایتی و اجرای قانون، می‌تواند قابل توجه باشد. پیشگیری از خشونت علیه کودکان و حمایت از قربانیان، گامی مهم در جهت ارتقای عدالت اجتماعی است. این امر به معنای ایجاد جامعه‌ای است که در آن همه کودکان، صرف‌نظر از پیشینه یا شرایط آنها، با احترام و کرامت رفتار شوند. کودکان و نوجوانان آینده هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند. سرمایه‌گذاری در سلامت و رفاه آنها از طریق پیشگیری از خشونت، تضمینی برای آینده‌ای روشن‌تر و پایدارتر برای همه است. با توجه به این دلایل، رسیدگی به خلأهای قانونی در پیشگیری از خشونت علیه کودکان و نوجوانان امری ضروری و حیاتی است. این امر مستلزم تعهد و اراده جدی از سوی دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، جامعه مدنی و افراد برای ایجاد دنیایی امن‌تر و حمایت‌کننده‌تر برای همه کودکان است. (جعفرزاده، ۱۴۰۲)

۳- مبانی نظری

۳-۱- مسؤلیت

خشونت علیه کودکان و نوجوانان یکی از معضلات جدی جوامع امروزی است که پیامدهای مخرب و جبران‌ناپذیری بر سلامت جسمی، روحی و روانی کودکان و همچنین بر روند توسعه جامعه دارد. برای مقابله با این پدیده شوم، قوانین مختلفی در سطوح ملی و بین‌المللی وضع شده است. (نور محمدی، ۱۴۰۱) با این حال، در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، خلأهای قانونی متعددی در زمینه پیشگیری از خشونت علیه کودکان و نوجوانان وجود دارد که مانع از اجرای مؤثر قوانین و حمایت کافی از کودکان می‌شود. برخی از این خلأهای قانونی در قوانین ملی ایران در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی عبارت‌اند از:

۳-۱- تعریف خشونت علیه کودکان

یکی از اساسی‌ترین خلأهای قانونی در ایران، فقدان تعریفی جامع و فراگیر از خشونت علیه کودکان است. در حال حاضر، تعاریف مختلفی از خشونت علیه کودکان در قوانین مختلف ایران ارائه شده است که این امر موجب ابهام و سردرگمی در تشخیص و رسیدگی به موارد خشونت علیه کودکان می‌شود. کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، خشونت علیه کودکان را هرگونه آزار و اذیت، سوءاستفاده و بی‌توجهی، شامل آزار جسمی، روحی یا جنسی، سوءاستفاده جنسی، غفلت یا بی‌توجهی، استثمار یا سوءاستفاده تجاری از کودکان، یا هر نوع آسیب یا ستم دیگری که در زمینه زندگی،

تربیت، مراقبت یا روابط با کودک رخ دهد، تعریف می‌کند. این تعریف جامع و فراگیر، تمامی اشکال خشونت علیه کودکان را در بر می‌گیرد و مبنای مناسبی برای تدوین قوانین و سیاست‌های پیشگیرانه در این زمینه است. درحالی‌که در قوانین ایران تعاریف ارائه شده از خشونت علیه کودکان، جامع و فراگیر نیستند و برخی از اشکال خشونت، مانند خشونت عاطفی و غفلت، را شامل نمی‌شوند. این امر موجب می‌شود که بسیاری از موارد خشونت علیه کودکان شناسایی و رسیدگی نشوند. (نجف زاده، ۱۴۰۰)

۲-۳- گزارش موارد خشونت علیه کودکان

یکی دیگر از خلأهای قانونی در ایران، فقدان سازوکاری مناسب برای گزارش موارد خشونت علیه کودکان است. در حال حاضر، افراد موظف هستند که موارد کودک‌آزاری را به مراجع ذی‌صلاح مانند نیروی انتظامی یا سازمان بهزیستی گزارش دهند. بااین‌حال، ترس از مجازات یا انگ اجتماعی، بسیاری از افراد را از گزارش موارد خشونت علیه کودکان باز می‌دارد. کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، دولت‌ها را موظف می‌کند که سازوکارهای مناسبی برای گزارش موارد خشونت علیه کودکان ایجاد کنند و از مصونیت گزارش‌دهندگان خشونت علیه کودکان حمایت کنند. در ایران، سازوکارهای مناسبی برای گزارش موارد خشونت علیه کودکان وجود ندارد و گزارش‌دهندگان خشونت علیه کودکان در معرض مجازات یا انگ اجتماعی قرار دارند. این امر موجب می‌شود که بسیاری از موارد خشونت علیه کودکان پنهان بماند و به مراجع ذی‌صلاح گزارش نشود. (شیر علی بیکی، ۱۴۰۰)

۳-۳- حمایت از قربانیان خشونت علیه کودکان

قوانین ایران حمایت‌های کافی از قربانیان خشونت علیه کودکان را ارائه نمی‌دهد. به‌عنوان مثال، در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، هیچگونه حمایتی برای کودکان قربانی خشونت جنسی در نظر گرفته نشده است. همچنین، این قانون هیچگونه حمایتی برای بازتوانی و توانمندسازی کودکان قربانی خشونت ارائه نمی‌دهد. کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، دولت‌ها را موظف می‌کند که از قربانیان خشونت علیه کودکان حمایت کرده و خدمات لازم را برای بازتوانی و توانمندسازی آنها ارائه دهند. در ایران، حمایت‌های کافی از قربانیان خشونت علیه کودکان ارائه نمی‌شود و این کودکان در معرض آسیب‌های بیشتر قرار دارند. (هدایتی، ۱۴۰۲)

۴-۳- مجازات عاملان خشونت علیه کودکان

مجازات‌های مقرر در قوانین ایران برای عاملان خشونت علیه کودکان در برخی موارد کافی نیست و بازدارندگی لازم را ندارد. به‌عنوان مثال، در قانون مجازات اسلامی، مجازات آزار و اذیت جسمی کودکان حبس تا دو سال و مجازات آزار و اذیت جنسی کودکان حبس تا ده سال است. کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، دولت‌ها را موظف می‌کند که مجازات‌های مؤثر و بازدارنده‌ای برای عاملان خشونت علیه کودکان در نظر بگیرند. (آب رانی، ۱۴۰۰)

۴- رابطه بین دادرسی و پیشگیری از خشونت

پیشگیری از خشونت در یک دسته‌بندی به پیشگیری کیفری و غیرکیفری تقسیم می‌شود:

الف: پیشگیری کیفری موافق با اصل حمایت کیفری از کودکان در برابر بزه‌دیدگی پیشگیری کیفری به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که معطوف به اقدامات کیفری است. این اقدامات توسط نهادهای حکومتی صورت می‌گیرد و از جمله اقدامات پسینی تلقی می‌شود؛ زیرا بیشتر، نظام قضایی پس از وقوع جرم و خشونت علیه اطفال وارد عمل می‌شود؛ اما تدابیر پیشگیرانه نظام دادرسی و ورود و مداخله آن برای پیشگیری از خشونت باید قبل از به‌وقوع پیوستن آن و با کاهش خطر فعلیت آن صورت پذیرد. مجموعه اقدامات پیشگیرانه کیفری را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

۱. جرم‌انگاری حمایتی

۲. تشدید مجازات خشونت علیه اطفال

۳. پیش‌بینی تشکیلات قضایی و نحوه دادرسی مستقل و افتراقی

۴. پیش‌بینی پلیس ویژه اطفال و نوجوانان

ب: پیشگیری غیرکیفری پیشگیری غیرکیفری ناظر به اقدامات جامعه‌محور است که تأکید بر جامعه‌پذیر کردن اطفال و کنترل اجتماعی در نهادهای غیرکیفری و در درون جامعه دارد. در این نوع پیشگیری در کنار تأکید بر جامعه‌پذیری، تحت تأثیر نظریه کنترل اجتماعی که نخستین بار توسط هیرشی مطرح شد و لزوم برقراری پیوند عمیق‌تر کودک با جامعه برای کاهش احتمال ارتکاب رفتار نقض‌کننده قوانین کیفری بر نقش فعال کودک در جامعه تأکید فراوان می‌شود. از طرفی این سیاست جنایی احتمال برچسب‌زنی را کاهش داده و بنا به اهمیت آن بسیار بدان پرداخته شده است. اقدامات جامعه‌محور در اسناد بین‌المللی نیز بسیار مورد تأکید است. فراگیر کردن آموزش‌ها در خصوص اطفال و ویژگی‌های آنان و معیارهای برخورد با بزهکاری آنان در جامعه همواره مطرح نظر اسناد بین‌المللی قرار گرفته است. پیشگیری جامعه‌مدار به کارگیری اقدام‌های غیر قهرآمیز اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی در محیط‌های مختلف درصدد از بین بردن عوامل محیطی جرم‌زا یا حداقل کاهش تأثیر آنها بر افراد است مدل نوین جرم‌شناسی، پیشگیری تقسیم‌بندی پیشگیری به پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی است. پیشگیری اجتماعی زمینه و علل جرم‌زا را از بین می‌برد؛ ولی پیشگیری وضعی فرصت و امکان وقوع آن را کاهش می‌دهد یا دشوار می‌سازد. ضرورت پیشگیری از خشونت در درون نظام دادرسی از آن رو است که با وجود تلاش برای کاستن احتمال مداخله نظام قضایی در موضوعات در برگیرنده، اطفال گاهی این امر اجتناب‌ناپذیر است نظام قضایی که بخشی از برنامه‌ریزی‌ها برای کاهش خشونت و حمایت خشی از برنامه‌ریزی از اطفال از وظایف آن است نباید خود به محلی برای اعمال خشونت علیه طفل تبدیل شود. «ریشه‌های احتمال خشونت پلیس نسبت به متهمان در فرایند دادرسی را می‌توان در عوامل مختلف فردی، برون‌سازمانی و درون‌سازمانی جستجو کرد. (ضیائی، ۱۴۰۰).

۴-۱- خشونت اقتصادی

خشونت اقتصادی زخمی پنهان در قلب جامعه است که نسل آینده را هدف قرار می‌دهد. این نوع خشونت که شامل محروم کردن کودکان از منابع مالی، دارایی‌ها و فرصت‌های لازم برای رشد و رفاه آنها می‌شود، پیامدهای مخربی بر سلامت جسمی، روانی و عاطفی آنها دارد. کودکان در معرض خشونت اقتصادی، طعم تلخ فقر و گرسنگی را از نزدیک

چشیده و از نیازهای اساسی مانند غذا، پوشاک، سرپناه، مراقبت‌های بهداشتی و آموزش محروم می‌شوند. این محرومیت‌ها، نه تنها سلامت جسمی آنها را به خطر می‌اندازد، بلکه زمینه‌ساز مشکلات تحصیلی، اضطراب، افسردگی، خشم و سایر مشکلات عاطفی و رفتاری می‌شود. در موارد وخیم‌تر، خشونت اقتصادی می‌تواند منجر به استعمار جنسی کودکان شود. عوامل متعددی در بروز خشونت اقتصادی علیه کودکان نقش دارند. فقر، نابرابری اقتصادی، سوءاستفاده از مواد مخدر، خشونت خانگی و فقدان حمایت‌های اجتماعی از جمله این عوامل هستند. در بسیاری از موارد، این کودکان از خانواده‌هایی فقیر و آسیب‌پذیر می‌آیند که توانایی تأمین نیازهای اساسی آنها را ندارند. پیشگیری از خشونت اقتصادی علیه کودکان و نوجوانان، نیازمند اقدامات جامع و فراگیر در سطوح مختلف جامعه است. حمایت از خانواده‌ها، مبارزه با فقر، حفاظت از کودکان در برابر کار کودک، آموزش و آگاهی‌رسانی و حمایت از قربانیان، از جمله گام‌های اساسی در این مسیر هستند. حمایت از خانواده‌ها از طریق ارائه کمک‌های مالی و خدمات به آنها، نقش مهمی در تأمین نیازهای اساسی کودکان و پیشگیری از خشونت اقتصادی دارد. مبارزه با فقر و نابرابری اقتصادی از طریق اجرای سیاست‌های مناسب، گامی دیگر در جهت ریشه‌کن کردن این معضل است. حفاظت از کودکان در برابر کار خطرناک یا غیرقانونی از طریق وضع قوانین و مقررات سخت‌گیرانه، ضروری است. این امر نه تنها سلامت جسمی و روانی آنها را حفظ می‌کند، بلکه فرصت‌های تحصیلی و رشد آنها را نیز فراهم می‌کند. آموزش و آگاهی‌رسانی در مورد خشونت اقتصادی، گامی کلیدی در جهت پیشگیری از آن است. این امر به افراد جامعه کمک می‌کند تا این نوع خشونت را شناسایی کرده و در صورت مشاهده آن، گزارش دهند. حمایت از قربانیان خشونت اقتصادی از طریق ارائه خدمات حمایتی مانند مشاوره، مراقبت‌های بهداشتی و کمک‌های مالی، نقشی حیاتی در التیام زخم‌های آنها و بازگشت به زندگی سالم دارد. خشونت اقتصادی علیه کودکان و نوجوانان، مشکلی پیچیده و چندوجهی است که نیازمند توجه و اقدام فوری در همه سطوح جامعه است. با اتخاذ تدابیر مناسب و همکاری همه‌جانبه، می‌توانیم گامی مؤثر در جهت ریشه‌کن کردن این معضل برداشته و آینده‌ای روشن‌تر برای نسل آینده رقم بزنیم. (Rocard, ۲۰۲۴)

۴-۲- کودکان اجاره‌ای

در دنیای امروز، پدیده‌ای به نام "کودکان اجاره‌ای" سر برآورده که چالش‌های اخلاقی، حقوقی و اجتماعی متعددی را به همراه دارد. در این روش، زوجین یا افراد مجرد از طریق توافق با یک زن، از رحم او برای بارداری و به دنیا آوردن فرزند خود استفاده می‌کنند. این توافق می‌تواند به صورت قانونی یا غیرقانونی انجام شود و در آن وظایف و تعهدات طرفین در قبال جنین و فرزند متولد شده مشخص می‌شود. دلایل متعددی برای توسل به رحم اجاره‌ای وجود دارد. زوجینی که به طور طبیعی نمی‌توانند باردار شوند، ممکن است به این روش به عنوان راه‌حلی برای داشتن فرزند متوسل شوند. زنانی که به دلیل مشکلات پزشکی قادر به بارداری یا زایمان نیستند، می‌توانند از رحم اجاره‌ای برای داشتن فرزند استفاده کنند. در برخی از جوامع، زوجین ممکن است به دلیل تمایل به داشتن فرزند پسر یا دختر، به رحم اجاره‌ای متوسل شوند. افراد مجرد یا زوجینی که تمایل به داشتن فرزندان بیولوژیکی خود دارند، نیز ممکن است از این روش استفاده کنند. با وجود این که رحم اجاره‌ای می‌تواند برای برخی از افراد راه‌حلی برای داشتن فرزند باشد، اما چالش‌های اخلاقی و حقوقی متعددی را به همراه دارد. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، "مالی کردن بدن زنان" است. رحم اجاره‌ای می‌تواند به مثابه کالایی تلقی شود که توسط زنان برای کسب درآمد اجاره داده می‌شود. این امر می‌تواند به سوءاستفاده از زنان و به خطر انداختن سلامت آنها منجر شود. چالش دیگر، "حقوق جنین و فرزند" است. وضعیت حقوقی جنین و فرزند متولد شده از

طریق رحم اجاره‌ای در بسیاری از کشورها نامشخص است. (Rahim, ۲۰۲۰) این امر می‌تواند منجر به مشکلات مربوط به هویت، تابعیت، ارث و سایر حقوق قانونی شود. رحم اجاره‌ای می‌تواند بر "سلامت روان" زنان، زوجین و فرزندان متولد شده از طریق آن نیز تأثیر منفی بگذارد. این امر به دلیل مسائل مربوط به هویت، وابستگی عاطفی و انتظارات اجتماعی است. در برخی از موارد، "استثمار کودکان" نیز می‌تواند اتفاق بیفتد. این امر به ویژه در مواردی که رحم اجاره‌ای به طور غیرقانونی و بدون رضایت کامل زن انجام می‌شود، محتمل‌تر است. در ایران، در حال حاضر هیچ قانون صریحی در مورد رحم اجاره‌ای وجود ندارد. با این حال، برخی از فقهای شیعه رحم اجاره‌ای را با شرایطی مجاز می‌دانند. این شرایط شامل رضایت کامل زن و شوهر، عدم وجود غرض نامشروع، عدم آسیب به جنین و رعایت موازین شرعی است. زوجین نابارور می‌توانند قبل از توسل به رحم اجاره‌ای، راه‌حل‌های جایگزینی را نیز در نظر بگیرند. لقاح مصنوعی، تلقیح مصنوعی و ناباروری با روش‌های کم‌تهاجمی از جمله این راه‌حل‌ها هستند. در نهایت، پدیده کودکان اجاره‌ای ابعاد پیچیده و چالش برانگیزی دارد که نیازمند توجه و بررسی عمیق از جنبه‌های اخلاقی، حقوقی و اجتماعی است. یافتن راه‌حل‌هایی برای رفع چالش‌های موجود و تضمین حقوق همه طرفین درگیر، از جمله زنان، زوجین و فرزندان، ضرورتی انکارناپذیر است. (Whitman & Abidi, ۲۰۲۰)

در سایه خانه‌ها و در سکوت مطلق، خشونت علیه کودکان کار در خانه، زخمی عمیق بر پیکره جامعه بشری و کودکی است. این کودکان، قربانیان خاموش هستند که در معرض انواع سوءاستفاده‌های جسمی، روحی و جنسی قرار می‌گیرند. کودکان کار در خانه، چه به صورت مستخدم، پرستار بچه یا در مشاغل دیگر، در معرض خطرات متعددی قرار دارند. ساعات کاری طولانی، دستمزد ناچیز، عدم امنیت شغلی، عدم برخورداری از حقوق اولیه مانند مرخصی و بیمه، و در معرض خطر بودن سلامتی و جان آنها، تنها بخشی از این خطرات است. اما خشونت علیه این کودکان، فراتر از این موارد است. بسیاری از آنها در معرض سوءاستفاده‌های جسمی، مانند کتک‌زدن، مجروح کردن و تنبیه‌های غیرانسانی قرار می‌گیرند. توهین، تحقیر، تهدید و ایجاد ترس، از جمله سوءاستفاده‌های روحی است که این کودکان به طور مداوم با آن دست‌به‌گریبان هستند. متأسفانه، سوءاستفاده جنسی از کودکان کار در خانه نیز رواج دارد. این کودکان به دلیل موقعیت آسیب‌پذیر خود، در معرض تجاوز جنسی، آزار و اذیت و سایر رفتارهای نامناسب جنسی قرار می‌گیرند. عواقب خشونت علیه کودکان کار در خانه، مخرب و بلندمدت است. این کودکان از نظر جسمی و روحی آسیب می‌بینند، دچار مشکلات عاطفی و رفتاری می‌شوند، و در آینده با چالش‌های متعددی در زمینه‌های تحصیلی، شغلی و اجتماعی روبرو خواهند شد. عوامل متعددی در بروز این پدیده شوم نقش دارند. فقر، نابرابری اجتماعی، فقدان حمایت‌های قانونی و ضعف در سیستم‌های حمایتی از جمله این عوامل هستند. در بسیاری از موارد، خانواده‌های این کودکان به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی، مجبور به فرستادن فرزندان خود به کار در خانه‌ها می‌شوند. پیشگیری از خشونت علیه کودکان کار در خانه، نیازمند اقدامات جامع و فراگیر در سطوح مختلف جامعه است. حمایت از خانواده‌های آسیب‌پذیر، وضع قوانین و مقررات مناسب برای حمایت از کودکان کار، تقویت سیستم‌های حمایتی، افزایش آگاهی عمومی و آموزش، و ایجاد فرصت‌های برابر برای تحصیل و اشتغال کودکان، از جمله گام‌های اساسی در این مسیر هستند. (Cappa & Jijon, ۲۰۲۱)

در کنار اقدامات ذکر شده، توجه به موارد زیر نیز حائز اهمیت است: جلب مشارکت فعال سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه مدنی در امر پیشگیری از خشونت علیه کودکان. استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ها برای افزایش آگاهی عمومی و ترویج

۳-۴- خشونت جنسی کودکان

فرهنگ حمایت از کودکان. انجام تحقیقات و مطالعات بیشتر برای درک بهتر ماهیت و ابعاد خشونت علیه کودکان کار در خانه و یافتن راه‌حل‌های مؤثر برای پیشگیری از آن. با تعهد و اراده قوی از سوی همه، می‌توانیم گامی مؤثر در جهت ریشه‌کن کردن این معضل برداشته و دنیایی امن و عاری از خشونت برای کودکان کار در خانه بسازیم. (Cappa & Jijon, ۲۰۲۱)

خشونت جنسی کودکان، کابوسی هولناک که تاروپود زندگی کودکان بی‌گناه را جریحه‌دار می‌کند و پیامدهای مخرب و غیرقابل‌جبرانی بر سلامت جسمی و روانی آنها برای تمام عمر به جا می‌گذارد. این جرم هولناک که شامل سوءاستفاده جنسی، تجاوز و آزار می‌شود، می‌تواند توسط افراد مورداعتماد یا غریبه رخ دهد و آمار وحشتناکی را به خود اختصاص داده است. طبق گزارش یونیسف، هر ۲۰ ثانیه یک کودک در جایی از دنیا مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرد. در ایران، با وجود فقدان آمار دقیق، شواهد نشان از شیوع بالای این معضل هولناک در جامعه دارد. غفلت از این موضوع و عدم اقدامات پیشگیرانه، زخمی عمیق بر پیکره جامعه و آینده کودکان این مرز و بوم خواهد گذاشت. اما در این میان، امیدی روشن وجود دارد. ما با اتخاذ رویکردی جامع و چندجانبه می‌توانیم گام‌های موثری در جهت پیشگیری از این جرم شنیع برداریم و دنیایی امن‌تر برای کودکان بسازیم. آموزش، نخستین گام در این مسیر است. آموزش به کودکان در مورد قسمت‌های خصوصی بدن، آموزش قاطعیت در برابر لمس‌های ناخواسته و نامناسب، و توانمندسازی آنها برای بیان احساسات و درخواست کمک، نقشی کلیدی در پیشگیری از سوءاستفاده جنسی ایفا می‌کند. علاوه بر آموزش کودکان، بزرگسالان نیز باید در این زمینه آگاه و مجهز شوند. آموزش علائم سوءاستفاده جنسی، چگونگی صحبت با کودکان در مورد این موضوع حساس، و ارائه منابعی برای گزارش موارد مشکوک، از جمله وظایف مهم بزرگسالان در قبال کودکان به شمار می‌رود. ایجاد محیط‌های امن، گامی دیگر در جهت پیشگیری از خشونت جنسی کودکان است (Pereda & Díaz-Faes, ۲۰۲۰).

نظارت دقیق بر کودکان در مکان‌های عمومی، تدوین و اجرای سیاست‌های قاطعانه در زمینه سوءاستفاده جنسی در مدارس و مهدکودک‌ها، و همکاری با سازمان‌های محلی برای ایجاد جامعه‌ای امن و حامی کودکان، از جمله اقداماتی هستند که می‌توان در این راستا انجام داد. حمایت از قربانیان، ستون دیگر این مبارزه است. ارائه خدمات مشاوره و روان‌درمانی به کودکان آسیب‌دیده، کمک به آنها در طی کردن مراحل قانونی و پیگیری حقوقشان، و آموزش مهارت‌های لازم برای پیشگیری از سوءاستفاده مجدد، از جمله اقدامات ضروری در جهت حمایت از این دسته از کودکان بی‌گناه است. افزایش آگاهی عمومی، پازل نهایی این مبارزه را تشکیل می‌دهد. اطلاع‌رسانی گسترده در مورد سوءاستفاده جنسی از کودکان، تشویق مردم به گزارش موارد مشکوک، و ترغیب رسانه‌ها به انعکاس مسئولانه این موضوع، از جمله اقداماتی هستند که می‌توان برای ارتقای آگاهی عمومی انجام داد. (Bhatia, Fabbri, ۲۰۲۱) به یاد داشته باشیم، هر یک از ما در قبال کودکان، مسئولیم و می‌توانیم در پیشگیری از این جرم هولناک و نجات زندگی‌های بی‌گناه، نقشی مؤثر ایفا کنیم. با آموزش، ایجاد محیط‌های امن، حمایت از قربانیان و افزایش آگاهی عمومی، می‌توانیم دنیایی امن‌تر برای کودکان بسازیم و آینده‌ای روشن‌تر را برای آنها رقم بزنیم. پیشگیری از خشونت جنسی علیه اطفال خشونت جنسی به دلیل آثار مخرب طولانی مدت آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. توصیه‌های سازمان ملل همواره بر ایجاد قوانین بازدارنده در این رابطه استوار شده است قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ موارد متعددی از خشونت جنسی علیه اطفال

را جرم انگاری کرده است. آزار و سوءاستفاده جنسی اعم از تماسی و غیر تماسی توسط محارم، به عنف و غیر از آن و بهره کشی جنسی برای هرزه نگاری و سوءاستفاده جنسی در دسترس کودک قراردادن محتویات مستهجن یا، مبتذل استفاده از طفل برای فروش این محتویات وارد و صادر و انتشار و تکثیر محتوای مستهجن که در آنها از اطفال بهره گیری و کام جویی شده است و همچنین برقراری ارتباط مجازی برای آزار جنسی نامشروع و همچنین هر نوع معامله کودک با هدف فحشا و هرزه نگاری از موضوعاتی است که مقنن در ماده ۱۰ و ۱۱ این قانون به جرم‌انگاری آنها مبادرت ورزیده است. (Petrovsky, Capa, Pereira, ۲۰۲۱)

۵- نتیجه گیری:

پاسخ‌دهی مناسب به جرایم کودکان و نوجوانان همواره یکی از دغدغه‌های مهم در دکتین علوم جنایی و روندهای نظام‌های عدالت کیفری بوده است. این نوشتار که با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از رویکرد پژوهش‌های میان رشته‌ای نگاشته شده، درصدد است بدین پرسش پاسخ دهد که خلأهای قانونی پیشگیری از خشونت علیه کودکان و نوجوانان در قوانین ملی و میانی فقهی آن چیست؟

یکی از رویکردهای مهم نظام‌های عدالت کیفری، حمایت کیفری از گروه‌های آسیب‌پذیری چون کودکان است که بیش از دیگران در معرض بزه‌دیدگی و پیامدهای گوناگون آن قرار دارند. یکی از راهبردهای سیاست کیفری ایران در این باره تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان است.

این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده، درصدد است تا مهم‌ترین مؤلفه‌های جرم‌شناختی این قانون را مطالعه کند. این قانون به جلوه‌های گوناگون کودک‌آزاری و خشونت علیه کودکان می‌پردازد و برای حمایت کیفری از آن به تبیین وضعیت‌های مخاطره‌آمیز کودکان و نیز نهادسازی توجه نشان می‌دهد. این حمایت برای دستیابی به اهدافی چون پشتیبانی از کودکان در معرض خطر بزه‌دیدگی و نیز توانمندسازی آنان در پرتو باز جامعه‌پذیری مناسب سازماندهی شده است. بر پایه قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، این شهروندان با چالش مهمی همانند آسیب‌پذیری مواجه هستند. زمینه‌های آسیب‌پذیری آنان نیز به دودسته کاستی‌های خانوادگی و جامعه‌ی تقسیم می‌شود. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان همچنین پاسخ‌دهی به این چالش‌ها را موردتوجه قرار داده که بر پایه تبیین‌های نظری مهمی چون جرم‌شناسی رشد، مدیریت ریسک جرم و نیز جرم‌شناسی ترجمه‌ای استوار است. رهیافت‌های عملی این قانون نیز عبارت از پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان و پیش‌بینی زیرساخت‌های قضایی لازم در فرایند دادرسی کیفری (اختصاصی شعبی از دادرها و دادگاه‌ها به جرایم علیه کودکان و نوجوانان، پیش‌بینی کنشگری مددکاران اجتماعی، پیش‌بینی جنبه عمومی برای همه جرایم علیه کودکان و نوجوانان، پیش‌بینی نقش - آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد) است. این پژوهش دریافته است که قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با الهام از آموزه‌های جرم‌شناختی و به ویژه جرم‌شناسی رشد و جرم‌شناسی اصلاح و بازپروری به مدیریت کیفری کودکان و نوجوانان و پیشگیری از بزه‌دیدگی آن پرداخته است.

۱. خلف‌خانی، نگار (۱۳۹۹)، ضرورت توسل نظام حقوق بین‌الملل در پیشگیری و مقابله با خشونت خانگی علیه زنان و کودکان در دوران بیماری‌های پاندمیک. دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.
۲. تبریزی، علی (۱۳۹۸)، بررسی علل و آسیب‌های ناشی از خشونت فیزیکی و روانی علیه کودکان و نوجوانان و آرایه راه‌کارهای پیشگیرانه از منظر فقه و حقوق. موسسه آموزش عالی آفاق، دانشکده اقتصاد و علوم انسانی.
۳. نیلوفری، حسان (۱۴۰۰)، بررسی جرم‌شناختی - حقوقی ازدواج کودکان در ایران در پرتو اسناد بین‌المللی و راهکار پیشگیری از آن. دانشگاه گیلان، پردیس دانشگاهی.
۴. مجید البدرانی، ولید، ناصر (۱۴۰۲)، نقش دولت در حمایت از کودکان در برابر خشونت خانگی. دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده حقوق.
۵. محمد السودانی، وافی، فاضل (۱۴۰۲)، خشونت والدین علیه کودکان در حقوق ایران و عراق. دانشگاه شیراز، پردیس بین‌الملل.
۶. جعفرزاده، مریم (۱۴۰۲)، سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال خشونت خانگی علیه کودکان. دانشگاه حضرت معصومه (س)، گروه حقوق.
۷. نورمحمدی، زینب (۱۴۰۱)، بررسی اثربخشی توانبخشی روانی - اجتماعی مبتنی بر بازی‌های اجتماعی بر خودآگاهی هیجانی و مهارت‌های اجتماعی در کودکان در معرض خشونت خانگی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی.
۸. شیرعلی بیکی، محمدرضا (۱۴۰۱)، حمایت حقوق بین‌الملل از کودکان متولد شده از خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه. دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران جنوب.
۹. نجف‌زاده، مینا (۱۴۰۰)، تحلیل جرم‌شناختی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان. دانشگاه علم و فرهنگ تهران، دانشکده علوم انسانی.
۱۰. آب رانی، پریا (۱۴۰۰)، بررسی عصب جرم‌شناختی رابطه رفتار خشونت آمیز با ارتباطات عملکردی در نواحی پیش پیشانی، شبکه حالت پیش فرض و عملکردهای اجرایی در کودکان و نوجوانان دارای اختلال برونی سازی مناطق نیازمند مداخله شهر تهران. دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده علوم‌شناختی و مغز.
۱۱. هدایتی، وحید (۱۴۰۲)، پیمان نامه حقوق کودک و نظام حمایت از اطفال و نوجوانان در ایران. دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۱۲. عینی میانده، لیلا (۱۴۰۰)، کارکردهای پیشگیرانه حضانت در جرایم کودکان و نوجوانان. دانشگاه علم و فرهنگ تهران، دانشکده علوم‌انسانی.
۱۳. طاهری، سپیده (۱۴۰۰)، حمایت از کودکان در خانواده‌های پرخطر با نگاهی به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹. دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.
۱۴. قیداری، سحر (۱۴۰۰)، بررسی و تحلیل قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ از منظر آیین دادرسی کیفری. دانشگاه البرز، دانشکده علوم انسانی.